

توسعه انسانمدار و پایدار

در گستره تاریخ پرفراز و نشیب مدنیتها و فرهنگها، بهروزی انسان همواره بخش جدا ناپذیر تلقی عدالت خواهانه پنداشته شده و این نگرش با عصر روشنگری مجال بیشتر یافته و رویکرد به ارزشهای انسانمدار وارد گفتمان اجتماعی غرب گردید و انسانها دارای ارزش و کرامت ذاتی برابر دانسته شدند. افراد در امور زنده گی شخصی خویش و محیطی که در آن زنده گی می کنند، دارای حق کاملاً برابر اند و این حق زمانی بیشتر تامین می گردد که عملاً منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای نیل به آزادی و برابری انسانها به طور عادلانه توزیع گردد. این فرایند منتج به همبسته گی و تعاون اجتماعی گردیده ثبات، آرامش و صلح اجتماعی را نهادینه نموده و سر انجام به رشد و شگوفایی شخصیت و تواناییهای فردی انسانها می انجامد.

پیش زمینه ها و امکانات تحقق عملی این اهداف به شرایطی وابسته است که دستگاه سیاسی، برخاسته از اراده بالفعل و مشارکت آگاهانه مردم در یک قرارداد روشمند و پایدار، دستگاه مسؤول و پاسخگو و نهادهای کارآمد با رویکردی مدنی پیریزی کردند. در چنین شرایط است که مجموعه ارزشها، بینشها، نوع کارکرد و شکل دستگاه سیاسی، شیوه زندگی اجتماعی و اقتصادی و جستجوی راه حلها برای برونرفت از چالشها و دشواریها در تعامل متقابل بین دولت - ملت وارد می گردد. حراست از حیثیت و کرامت انسانی منحصر به تائید شکل آزادی بیان، جنسیت، خرد و وجدان نبوده بل، می بایست نظام اقتصادی، اجتماعی پی ریزی گردد که شهروندان در صورت پیری، معلولیت و سایر نارساییها، عزت نفس و شرافت ذاتی شان بنابر فقدان امکانات فردی خدشه دار نگردد. حیثیت و کرامت انسانی امر ذاتی بوده و نباید بر مبنای ناتوانی فرد در تولید این حق تقلیل یابد و یا با سود مندی وی در اقتصاد افزایش یابد.

رویکرد به گزینش دستگاه سیاسی و راه اندازی انتخابات نیز فرایند شعار گونه یی نیست که نخبگان قدرت هر چند سال یکبار آرای مردم را در تباری با عمال دستگاه، با به گردش در آوردن زر و زور به دست آورند و شرکت سهامی توزیع ثروت و قدرت را تشکیل دهند. دولت برخاسته از اراده مردم باید ممثل تمنیات و خواسته ها و نیازهای مردم باشد و با توانایی انجام خدمات، مشروعیت کارکردی اش را به نمایش بگذارد یعنی همزمان با توجه به تامین حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اجتماعی، اقتصادی را نیز رعایت کند. حقوق اجتماعی شامل حق حمایت اجتماعی، تعلیم و تربیت، حق داشتن مسکن،

دسترسی به آب آشامیدنی صحی، خدمات شهری، محیط زیست، حق کار، حق دریافت مدد معاش عادلانه و شرایط زندگی معیاری را در بر می گیرد که در نهایت توسعه انسانمدار را انعکاس می دهد. توسعه یک فرایند بالنده برگشت ناپذیر و همه جانبه سطح زندگی انسانها می باشد یعنی گذار از یک ساختار عقب مانده به ساختار پیشرفته تر را احتوا می کند. توسعه فرایندی است که در آمد سرانه به طور پیهم افزایش یافته و رضایت مردم از فرایند توسعه نیز شکل می گیرد.

از این دیدگاه توسعه شامل رهایی انسان از تنگناها و دستیابی به امکاناتی است که در دسترس مردم قرار می گیرد، مانند سطح بلند توقع حیات، صحت، آموزش و پرورش، بهبود و ارتقای کیفیت زندگی مردم.

نا به سامانی موجود و توسعه نیافتگی اقتصاد کشور شامل فقر گسترده، در نبود سکتور محرک، عدم سرمایه گذاری روی عامل انسانی، گسست اجتماعی و انقطاع تاریخی تمدنی، خشونت طبیعت و حوادث جغرافیایی و اقلیمی، محدودیت سرمایه، عدم دسترسی به آموزش و دانش معیاری جهانی، عدم شکل گیری گروه مؤلد و متشبث، ذهنیت عنعنوی از یک سو و از سوی دیگر در نبود یک دید و بینش اقتصادی باید ارزیابی گردد که مولود فلسفه اقتصادی محافظه کاری جدید وارداتی در اقتصاد افغانستان طی سالهای حاکمیت نیروهای غربی می باشد. بنابر این پیامدها و نگرش ذهنی حاکمیت، سهم دولت در برنامه های توسعه یی و تعیین اولویتها، فقر زدایی و مصارف عامه کاهش یافته و حذف برنامه های اجتماعی در دست اجرا است. بناءً در نتیجه سیاستهای محافظه کارانه یی دستگاه سیاسی، بدون رویکرد به تولید و داشتن برنامه های توسعه دراز مدت و نهایتاً فرو گذاشت توسعه انسانمدار را شاهدیم.

توسعه انسانمدار هدف دایمی و پیوسته بوده و راه یافتی است که به بهبود و رفاه انسانی می انجامد. انسان همزمان وسیله و هدف سیاستهای اجتماعی و اقتصادی پنداشته می شود. توسعه انسانمدار ناظر بر بسیج منابع محلی به هدف توسعه تواناییهای مردم و مشارکت آنها در یک فرایند تحول یابنده ارزیابی می گردد. این مشارکت می تواند به تشخیص و بازیابی اولویتهای عمده محلی کمک کند تا منابع و امکانات دست داشته مردم به اهداف مورد نظرشان مورد بهره برداری قرار گیرد.

رویکرد به توسعه انسانمدار که لازمه سرمایه گذاری روی عامل انسانی است هزینه را برای توسعه و تقویت ظرفیت نیروی انسانی تامین نموده که این هزینه ها مهارتهای فیزیکی، آموزشی، و معرفتی جامعه را از طریق آموزش برای یادگیری، تغییر، درک متقابل و تاثیر گذاری بر فرایند زندگی توسعه می دهد.

باورهای مبتنی بر کاربرد امکانات علمی و فنی برای همگانی ساختن رفاه و پیشرفت با توجه به محدودیت منابع طبیعی، در شرایط کنونی مصداق نداشته، برخی از کشورهای نیم کره شمالی و

اقلیتی از متحدان آنها در جنوب توانسته اند به رفاه نسبی دست یابند. استفادهٔ تشدید از منابع طبیعی و پیامد زیست محیطی آن بر منابع آبی، اراضی و جو زمین اثر ناگواری را بار آورده است. حیات انسانی وابسته به کارکرد مردم و محیط است که حیات را ممکن می‌سازد و در این سیستم همهٔ ساکنان کرهٔ خاکی سهم مساوی دارند در حالیکه کشورهای ثروت مند در استفاده از منابع طبیعی راه اسراف را می‌پیمایند و منابع اقتصادی جهان و کشورهای فقیر را با استفاده از فناوری و تولید انبوه خود و در تبادله و تجارت نابرابر جهانی غارت می‌کنند.

توسعهٔ پایدار مستلزم تغییراتی در سبک زندگی کشورهای ثروتمند است که برای نهادینه کردن این پایداری و تداوم آن، با مسؤولیت پذیری دسته جمعی و برخورد جامع با مسایل جهانی، چون شهری شدن، افراط در مصرف انرژی و مصرف گرایی بی حد و حصر، ضرورت پیمایش پایداری و تداوم زیست بومی را ایجاب می‌کند.

توسعهٔ انسانمدار و پایدار با عقلانی اندیشی و برنامه ریزی تحقق می‌یابد. رویکرد به توسعه بارفع نیازمندیهای اولیه در پیوند بوده و در شرایطی که کشور ما انبوهی از دشواریهای به میراث مانده از عقب مانده گی تاریخی را بر دوش می‌کشد، با رویکرد به برنامه ریزی همه جانبه و طرح برنامه های دورنمایی و کوتاه مدت و اختصاص عوامل و منابع به هدف کاربُرد مؤثر و بهینهٔ منابع، اشتغال زایی و سازماندهی توسعهٔ زیرساختها، سرمایه گذاری روی امنیت و مصُونیت غذایی، برنامه ریزی مدیریت منابع محدود، اشتغال مازاد نیروی کار از بخش عنعنوی به بخشهای نوین و اشتغال زای اقتصادی و سرانجام رشد و توسعهٔ همه جانبهٔ اقتصادی و اجتماعی را احتوا می‌کند.

برگرفته از شماره سوم ماهنامه راه آینده